بسم‌الله الرحمن الرحیم

## اشاره

بحث در مورد افعل تفضیلیه بود؛ حال پیرامون این بحث مواردی ذکر می‌کنیم که شبیه افعل تفضیلیه هستند.

## محل بحث

گاهی چگونگی بیان شارع اهمیت یک موضوع و عدم اهمیت موضوع دیگر را مشخص می‌کند؛ به‌نوعی شبه مفهوم است، یعنی بیانی به کار می‌رود که اهمیت یک موضوع را افاده می‌کند و وقتی مقایسه می‌شود با چیزی می‌فهمیم که آن‌ها دارای این اهمیت نیستند، شبیه افضل تفضیل.

اسلوب‌های بیانی وجود دارد که اهمیت یک حکم یا تکلیفی را بیان می‌کند و به نحو ضمنی می‌گوید بقیه در این درجه از اهمیت نیستند.

احکام خمسه سلسله‌مراتب دارند و مقول به تشکیک‌اند. وقتی تکلیفی را با تکلیف دیگر مثل دو وجوب، دو حرمت و دو کراهت یا دو استحباب یا وجوب و ترک حرامی را باهم مقایسه می‌کنیم، گاهی این‌ها در عرض هم هستند و اهم و مهم نیستند و گاهی در عرض هم نیستند، بلکه اهم و مهم هستند.

قانون بحث در تزاحم اهم و مهم این است که اگر تزاحم تکلیفین پیدا شد:

1. اگر این تکلیفین در عرض هم باشند شما مخیر هستید.

2. اگر اهم و مهم باشند باید اهم را مقدم بر دیگری کرد.

خود قانون تزاحم مبتنی بر این است که تکالیف در مقایسه با هم گاهی عرضی و گاهی طولی هستند.

بحث‌هایی که علما درگذشته انجام داده‌اند که آیا تکالیف عرضی است یا طولی بیشتر از ارتکازات ذهنی و شرعی استفاده کرده‌اند و کمتر به‌صورت فنی به آن پرداخته‌اند.

## ملاک‌های تشخیص اهمیت تکلیف

1. جاهایی خود شرع تصریح کرده مثل «**إِنَ‏ الشِّرْكَ‏ لَظُلْمٌ‏ عَظِيم**‏»[[1]](#footnote-1) و یا اینکه مثل شرک مثلاً بخشیده نمی‌شود که معلوم است شرک بدترین گناهان است.

2. یکی دیگر از راه‌ها، تقدیم و تأخیر هست مثل «**الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ‏ يُنْفِقُون**»‏**[[2]](#footnote-2)** که اقامه نماز بر خیلی تکالیف مقدم شده و نشانگر اهمیت است.

3. تکرر یک تکلیف در خطابات متعدد؛ مثلاً در مورد موضوعی چند روایت واردشده است و در مورد موضوعی یک روایت آمده است که این فی‌الجمله دلالت دارد بر اهمیت موضوع.

4. لفظ در قرآن آمده باشد، چون بعضی حدود در قرآن است ولی بعضی نیست مثل حد ارتداد که در قرآن نیست و آنچه در قرآن بیاید از اهمیت بیشتری برخوردار است.

5. در خود کلام تأکید باشد؛ مثلاً در مورد گناه وعده‌های عذاب سختی داده‌شده است مثل خلود در جهنم ولی در دیگری وعده خلود نداده شده است.

6. نوع خطاب درجه اهمیت را می‌تواند نشان بدهد «**كُتِبَ‏ عَلَيْكُمُ‏ الصِّيام**»[[3]](#footnote-3) و «**لِلَّهِ‏ عَلَى‏ النَّاسِ‏ حِجُ‏ الْبَيْت**‏»[[4]](#footnote-4) که در این‌ها تأکیدی است که در چیز دیگر نیست، ولی باید بیان‌ها را باهم مقایسه کرد. ممکن است موارد دیگری را بتوان به این‌ها افزود.

### رویکرد نظام اهم و مهمی

1. رویکرد عنوان اولی که به این عنوان می‌گوییم، اهم و مهم است.

2. رویکرد ثانوی اینکه ممکن است همه این‌ها دست‌خوش تغییر و تحول شوند.

## ثمره بحث

این بحث را آوردیم تا بگوییم که نوعی مفهوم در این‌ها وجود دارد و به شکلی تتمه افعل تفضیل است. ثمره این بحث گاهی در برنامه‌ریزی اجتماعی است و گاهی در تزاحم است، ولی نه به معنای دقیق اصولی بلکه می‌خواهد بگوید که مقایسه است.

1. . سوره لقمان، آیه 13 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره انفال، آِیه 3 [↑](#footnote-ref-2)
3. . سورة البقرة، آيه 183 [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره آل عمران، آیه 97 [↑](#footnote-ref-4)